توزیع مسئولیت پرورش فرزند بین مادر و «دیگری» با توجه به دوران کودکی حضرت رسول ﷺ

حوری بیانی*

چکیده

زنان نقش مهمّی در تداوم نسل و رشد متوازن و مثبت جمعیّتی یک کشور دارند امّا به علّت اهمیّت یافتن هویّت اجتماعی و پرداختن به نقش‌های اجتماعی، زمان و توان کمتری برای پرورش فرزند دارند، در این مقاله به بخش کوچکی از دوران زندگی حضرت رسول-اکرم ﷺ پرداخته شده است، تا راه‌حلی برای برخی از زنان شاغل و محصل بیابد. تا آن‌ها نیز بتوانند خانواده‌های بزرگتری داشته باشند.

پیامبراسلام ﷺ در دوران کودکی خود به دایهٔ پاکدامن و با فضیلتی به نام حلیمهٔ سعدیه سپرده شده بود تا در هوای پاک صحرا رشد یابد. آن‌حضرت ﷺ در سال‌های بعدی زندگی خود، با حلیمهٔ سعدیه، در ارتباط بود و به او احترام می‌گذاشت. به نظر می‌رسد می‌توان با الگوگیری از این دوران زندگی پیامبر ﷺ، و واکاوی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام به تصویر کامل‌تری از جایگاه و نقش دایه، در پرورش فرزند دست یافت و مسئولیت تربیت فرزند را بین مادر و دایه تقسیم نمود.

کلیدواژگان: پیامبراسلام ﷺ، کودک، دایه، مادر، جوان.

---

*دانش‌پژوه دکترای کلام اسلامی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه؛ horeyeh.bayani@gmail.com

مقدمه

جامعهٔ جوان؛ پویا، زنده و همراه با شکوفایی و امید است. و جامعهٔ پیرسال، با وجود دانش و تجربهٔ قابل توجه؛ فاقد نیروی کار و پیشرفت است. جامعهٔ جوان، می‌تواند امیدوار تغییرات مثبت و پیشرفت باشد و در جامعه ی پیرسال، سیر پیشرفت متوقف شده و معادلهٔ درآمد و مصرف بهم می‌خورد. برای داشتن جامعهٔ جوان ناچاریم همواره رشد جمعیتی متوازن و مثبت داشته باشیم. وقتی پای کودک و تولد به میان می‌آید، نمی‌توان نقش زنان به عنوان کسانی‌که دشواری دوران حمل و نگهداری کودک را بعهده دارند، نادیده گرفت و اگر زنان به علّت‌های مختلف از انجام این نقش خود سرباز زنند؛ نمی‌توان به آیندهٔ جمعیتی تمدن و کشوری امید داشت. امروزه حضور اجتماعی و هویّت جمعی برای زنان دارای اهمیّت فراوانی است به نحوی که بسیاری از زنان وقت زیادی از عمر خود را بیرون از خانه و در محیط تحصیل و اشتغال و فعالیت‌های جمعی می‌گذرانند؛ و به تبع حضور اجتماعی، زمان کمتری برای فرزند آوری دارند. بسیاری از دختران ما تا هجده سالگی‌شان را مدرسه می‌گذرانند و بعد از آن سال‌های پرفراز و نشیب دانشگاه را می‌گذرانند، و در حدود سی سالگی وارد بازار کار می‌شوند. آیا می‌توان انتظار داشت دختری که تا سی سالگی تنها و بدون دردسرهای یک کودک سپری کرده است و تازه می‌خواهد ثمرهٔ اجتماعی تحصیل‌اش را بدست آورد، تن به مادری دهد. و برای آیندهٔ جوان کشورش؛ و تمایلات و منافع شخصی‌اش را نادیده بگیرد؟ رشد اندک جمعیّت در میان خانواده‌های با تحصیلات بالا در کشور نشان‌دهندهٔ این مطلب است که زنان تحصیل کرده و شاغل ما، نمی‌خواهند یا نمی‌توانند فرزند داشته باشند. مشکلات جسمی دوران حمل و دشواری‌های کودک شیرخوار و سختی‌های شغل و تحصیل و همه و همه دست به دست هم می‌دهند تا کودک داشتن تبدیل به بار سنگینی برای مادر شود و مادر در برزخ میان علاقه به فرزند و تعهّد کاری، گرفتار شده و با روحی آزرده از عذاب ناشی از سپردن کودک به مهد کودک راهی محل کار و تحصیل می‌شود.

سوال اصلی: ما به دنبال این هستیم که آیا می‌شود با توجه به دوران زندگی حضرت-رسول‌اکرم ﷺ راهی برای توزیع بار فرزندآوری یافت؟ تا زنان دارای تحصیلات و شاغل بتوانند

راحت‌تر فرزندآوری را بپذیرند و همزمان با آسودگی بتوانند به دغدغه‌های اجتماعی و فعالیت-های ارزشمند اجتماعی‌شان برسند.

فرضیه: رشد مثبت جمعیت؛ و داشتن جمعیّت جوان به نفع جامعه و خواست و نیاز جامعه است. اگر جامعه، نیاز خود را از زن مطالبه می‌کند؛ برای ایجاد توازن نباید تمام مسئولیت‌ها را از زن بخواهد.

ضرورت: توجه به رشد اندک جمعیّت ایران در سال‌های اخیر و کمبود احتمالی نیروی جوان در سال‌های آینده و توجه ویژۀ مقام معظم رهبری به مسالۀ پیرسالی جامعه؛ برآن شدیم تا بدنبال راه‌حلی برای توزیع بار تربیت و پرورش فرزند باشیم تا زنان با فرصت اندک هم بتوانند دارای فرزندان بیشتری باشند.

مفهوم شناسی

دایه: شیردهنده، پرستار کودک (فرهنگ عمید، ذیل واژه)

سیره: «سیره» حالت درونی است که انسان و غیرانسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد؛ خواه غریزی و خواه اکتسابی باشد، چنان‌که می‌گویند: فلان شخص سیره و شیوه‌ای نیک یا زشت دارد. (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۷) در مباحث تاریخی، نویسندگانی که اثر خود را «سیرۀ النبی» نامیده‌اند، به شرح آن بخش از حوادث زندگی پیامبراکرمﷺ پرداخته‌اند که سبک و رفتار آن‌حضرتﷺ را بازگو می‌کند.

سیره در اصطلاح به معانی متفاوتی به کار رفته است. برخی از سیره‌شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از معنای لغوی آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج۱۴، ۱۹۹) برخی سیره را برابر با تاریخ و ثبت وقایع تاریخی قرار داده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱) چنان که عرف تاریخ‌نویسان همین معنا را تأیید می‌کند و برداشت عمومی آن‌ها از سیره، ذکر حوادث و سرگذشت افراد می‌باشد که سیره‌های تدوین یافته گواه بر این امر است.

این دو معنا از سیره، یکی معنای عام سیره که عبارت است از ثبت وقایع تاریخی و سرگذشت افراد، و دوم به معنایی خاصّ که سبک و قاعده رفتار می‌باشد اشاره دارد. منظور ما از سیره در این مقاله، معنایی است که اشاره به ذکر سرگذشت و حوادث افراد دارد.

در این مقالهٔ کوتاه می‌خواهیم نگاهی به بخشی از زندگی پیامبراسلامﷺ، بیندازیم که گمان دارم می‌تواند راه‌حلی باشد برای توزیع تربیت و پرورش فرزند بین مادر و دیگری، (دوران کودکی آن‌حضرت). تا مادر با فراغت به فعالیت‌های اجتماعی‌اش بپردازد و بتواند نقش اجتماعی خود را به خوبی ایفا کند و همزمان بتواند از موهبت «مادری» بهره مند گردد.

پیامبرگرامی اسلامﷺ، دوران کودکی خود را در دامن زنی با فضیلت بنام حلیمهٔ سعدیه گذراند:

ویژگی حلیمهٔ سعدیه

۱.صفات پسندیده

حضرت عبدالمطلب از حلیمهٔ سعدیه نام و نام قبیله‌اش پرسید. جواب شنید: حلیمه از بنی اسد. عبدالمطلب از نام و نام قبیلهٔ او مسرور شد و گفت: آفرین، آفرین، یکی سعادت و خوشبختی و دیگری حلم و بردباری که خیر دنیا و عزّت ابدی در آن است.[۱](حلبی، بی‌تا: ج۱، ۱۰۶).

۲.مراقبت و محافظت از کودک به نحو احسن

حلیمه در حراست و مراقبت کودک، دقت لازم را به خرج می‌داد و همواره انیسه یا شیما را مأمور می‌کرد تا هنگام بازی با هم سن و سالانش، از او ـ پیامبر اسلامﷺ مواظبت کنند و در هنگامی‌که وبا در مکّه شایع شد از حضرت آمنه درخواست کرد: «اجازه می‌دهید،

[۱] – بخ بخ سعد و حلم . خصلتان فیهما خیر الدهر و عز الابد یا حلیمه.

محمّدﷺ را با خود برگردانم. اینجا هوا به پاکی و تمیزی صحرا نیست. من از وبای مکّه و آلودگی آن برجان فرزندم بیمناکم.» (نساجی، ۱۳۸۵: ۱۵۶ـ۱۶۳).

۳.شهرت به پاکدامنی و فضایل اخلاقی و توجه به آموزش

حلیمه بانویی بادیه‌نشین بود، امّا به سبب پاکدامنی و فضایل اخلاقی، شایستگی آن را یافت که دایه رسول‌خدا شود و او را شیر دهد.(حلبی، بی‌تا: ج۱، ۱۰۶) ابن‌اسحاق روایت می‌کند: رسول‌خداﷺ فرمود: «انا اعربکم، انا قریشی و استرضعت فی بنی‌سعد بن‌بکر؛ من از همه شما فصیح‌ترم؛ چه، هم قریشی‌ام و هم در قبیله بنی سعد بن بکر شیر خورده‌ام»(ابن‌هشام، بی‌تا: ج۱، ۱۷۶).

آن‌حضرتﷺ تا پایان عمر از دوران زندگی در میان این قبیله و از حلیمه و فرزندانش به نیکی یاد می‌کرد و از اینکه زبان عربی فصیح را در زمان کودکی در قبیله بنی‌سعد آموخته بود، خشنود بود.(نعیمی، ۱۳۷۲: ۲۷).

برای آداب شیر دادن کودک اموری ذکر شده است که اشاره به صفات دایه دارد و می‌تواند به علّت تأثیر دایه بر کودک باشد. از جمله:

۲۴۸۷: برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر اوست و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوب است که شوهر مزد بدهد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می‌تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد.

۲۴۸۸: مستحب است دایه‌ای که برای طفل می‌گیرند دوازده امامی و دارای عقل و عفت و صورت نیکو باشد و مکروه است کم عقل یا غیر دوازده امامی یا بد صورت یابد خلق یا زنا زاده باشد و نیز مکروه است دایه‌ای بگیرند که بچه‌ای که دارد از زنا به دنیا آمده باشد.

http://farsi.khamenei.ir/treatise-imam-(content?id=540&tid=99)

بنابراین، دایهٔ حضرت پیامبرﷺ، دارای صفات اخلاقی و فضایلی بود.

احترام به دایه

علاقه و احترام حضرت پیامبر اسلامﷺ به دایه‌اش، حلیمهٔ سعدیه[1] قابل توجه است. هنگامی‌که حلیمهٔ سعدیه در جنگ حنین نزد پیامبرﷺ آمد، آن‌حضرتﷺ به احترام دایهٔ شان از جای برخاستند، و ردای خود را زیر پای حلیمهٔ سعدیه پهن کردند. (محلاتی، ۱۳۶۹: ج۴، ۱۵۸).

پیامبر بزرگوار اسلام حتی به ام ایمن که کنیزی حبشی و پرستار آن‌حضرت بود[2] احترام می‌گذاشت و می‌فرمودند: ام ایمن بعد از مادرم، مادر من است[3]

در بحارالانوار از کازرونی نقل کرده که حلیمه پس از آن‌که رسول‌خدا با خدیجهعليها السلام ازدواج کرده بود به مکّه آمد و از خشکسالی و تلف شدن اموال و مواشی به آن‌حضرتﷺ شکایت برد، رسول‌خدا با خدیجه دراین‌باره گفتگو کرد و خدیجه چهل گوسفند و یک شتر به حلیمه داد و بدین‌ترتیب حلیمه با مالی بسیار به سوی قبیله خود بازگشت و سپس بار دیگر پس از ظهور اسلام و بعثت پیغمبرﷺ به مکّه آمد و با شوهرش اسلام را اختیار کرده و مسلمان شدند.

---

[1]. نسب حلیمه به قبائل هوازن می‌رسد، چنانچه شوهرش حارث بن عبدالعزی (که پدر رضاعی رسول‌خداﷺ است) از همان قبیله است و نسبش به «هوازن» می‌رسد.
و فرزندان حلیمه نیز از شوهرش حارث بن عبدالله سه فرزند بود یک پسر به نام «عبدالله» که در هنگام شیرخوارگی همین عبدالله بود که حلیمه به مکه آمد و ر سول خدا صلی الله علیه و آله را بدو سپردند و او از شیر فرزندش عبدالله، آن ح ضرت را شیر داد. دو دختر به نام‌های «انیسه» و «حذافة» که این حذافة نام دیگری هم داشت و آن «شیماء» بود و به همان نام دوم معروف شد.

[2]. رک : بلاذری، احمد .*انساب الاشراف جلد ۱* .قاهره. ۹۶

[3]. "ام ایمن امی بعد امی"

در سال هشتم هجری، زمانی‌که پیامبرﷺ با پیروزی از جنگ «طائف» باز می‌گشت و شش هزار اسیر به همراه داشت، یکی از آن جمع به پیامبرﷺ گفت: ای پیامبر خدا! در میان این اسیران عمه‌ها و خاله‌ها و پرستارهای تو هستند. (زیرا حلیمه از قبیله بنی سعد و از طایفه هوازن بود.) سخن آن‌ها در قلب نازنین پیامبرﷺ مؤثر افتاد و درخواست آن‌ها که مادر رضاعی پیامبرﷺ را شفیع خود قرار داده بودند، پذیرفته شد. آن حضرت به مردان هوازن فرمود: آنچه متعلق به من و اولاد عبدالمطلب است، برای شما، هنگامی‌که نماز ظهر را خواندم، برخیزید و بگویید ما در مورد زنان و فرزندانمان، پیامبر خدا را پیش مسلمانان و مسلمانان را پیش پیامبرخداﷺ شفیع قرار می‌دهیم. آنگاه من حقّم را به شما بخشیده، از آن‌ها نیز می‌خواهم حقّشان را ببخشند.

بعد از نماز، مردان هوازن کلام پیامبرﷺ را در مورد بخشش اسیران به زبان آوردند. پیامبرخداﷺ فرمود: آنچه متعلق به من و اولاد عبدالمطلب است، برای شما. مهاجران گفتند: هر چه متعلق به ماست، برای پیامبرخداﷺ. انصار نیز گفتند: آنچه متعلق به ماست، برای پیامبرخداﷺ، آن‌حضرت هنگامی‌که دید بعضی قبایل در مورد بخشیدن حق خود دچار تردید هستند فرمود: هر کدام از شما که حقّ خود را از این اسیران می‌خواهد، از اوّلین غنیمتی که به دست آوردم، شش سهم به او می‌دهم. آن‌ها نیز پذیرفتند و کودکان و زنان هوازن آزاد شدند. بدین‌ترتیب، پیامبرﷺ به احترام حلیمه سعدیه، اسیران بسیاری را آزاد کرد. (طبقات، ج۱، ۱۰۴ به نقل از نساجی، ۱۳۸۵: ۱۵۶-۱۶۳)

استمرار ارتباط پیامبرﷺ با حلیمه سعدیه

رسول‌خداﷺ پیوسته روابط عاطفی خود را با حلیمه سعدیه حفظ کرده تا پایان عمر او، پیوسته برایش صله و لباس می‌فرستاد.

زمانی‌که پیامبراکرمﷺ با خدیجهعليها السلام ازدواج کردند، حلیمه به مکّه به حضور آن‌حضرت آمد و از قحطی و خشکسالی و هلاکت گوسفندان و چهارپایان شکایت کرد. پیامبرﷺ در این

مورد با خدیجه علیها السلام صحبت کردند که به او کمک کند؛ خدیجه علیها السلام چهل گوسفند و شتری راهوار که برای سواری زن‌ها در کوچیدن تربیت شده بود به حلیمه بخشید و او به بادیه برگشت.

بعد از رسالت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نیز، حلیمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و مورد احترام و تکریم رسول‌خدا صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفت حضرت صلی الله علیه و آله ردای خود را به احترام او پهن می‌کردند و او را بر آن می‌نشاند و حاجتش را بر آورده می‌کرد.

ابن‌سعد با اسنادش از محمد بن منکدر روایت می‌کند که «زنی از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله اجازه ورود گرفت این زن پیامبر صلی الله علیه و آله را شیر داده بود همین که او را آوردند رسول‌خدا صلی الله علیه و آله برخاست و مادر مادر گویان ردای خویش را برای او گسترد که روی آن بنشیند.

ابی طفیل نیز روایتی را نقل کرده که «رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در جعرانه بودند و بین مردم گوشت تقسیم می‌کردند من در آن زمان کودک بودم و گوشت شتر حمل می‌کردم پس دیدم زنی به سویش آمد پس چون نزدیک شد پیامبر صلی الله علیه و آله ردایش را برای او پهن کرد و آن زن بر آن نشست گفتم: او کیست؟ گفتند: مادر رضاعی‌اش است.(http://hajj.ir/14/48850)

چرا نوزادان را به قبایل بادیه‌نشین می‌دادند

بزرگان قریش و اشراف مکّه معمولاً بچه‌های نوزاد خود را برای شیردادن و بزرگ کردن به زنان قبایل بادیه‌نشین می‌سپردند، و برای این عمل آن‌ها علل و جهاتی ذکر کرده‌اند و از آن جمله این بود که:

۱- هوای آزاد و محیط بی‌سروصدای صحرا موجب محکم شدن استخوان و رشد و تربیت سالم جسم و جان بچه می‌شد، و افرادی‌که در آن هوای آزاد تربیت می‌شدند روح شان نیز همانند هوای آزاد بیابان پرورش می‌یافت.

۳- اعراب صحرا عموماً زبان‌شان فصیح‌تر از شهرنشینان بود و این یا به خاطر آن بود که زبان مردم شهر در اثر رفت و آمد کاروانیان مختلف و اختلاط و آمیزش با افراد گوناگون اصالت خود را از دست می‌داد و لهجه صحرانشینان که آمیزشی با کسی نداشتند به اصالت و فصاحت

خود باقی بود، یا هوای آزاد بیابان در این جریان مؤثر بود و شاید جهات دیگری نیز بوده که در این فصاحت لهجه تأثیر داشته است.

اتفاقاً قبیله بنی‌سعد در میان قبایل اطراف شهر مکّه از قبایلی بوده که به فصاحت لهجه مشهور و معروف بودند، و در حدیثی آمده که وقتی شخصی بدان حضرت عرض کرد: من کسی را از شما فصیح‌تر ندیده‌ام؟ حضرت در جواب او فرمود: چرا من این‌گونه نباشم با این‌که ریشه‌ام از قریش و در میان قبیله بنی‌سعد نشو و نما کرده‌ام!

۲- زنانی که بچه‌های خود را به صحرا برده و به زنان بادیه‌نشین می‌سپردند فرصت بیشتر و بهتری برای فعالیت‌های دیگر، از جمله: فعالیت‌های اجتماعی و یا خانه‌داری و... داشتند و این مسئله در زندگی آنان بسیار مؤثر بود.

نتیجه

با توجه به بررسی دوران کودکی حضرت پیامبراکرمﷺ، درمی‌یابیم که زمان کودکی ایشان در کنار دایهٔ بنام حلیمهٔ سعدیه که زنی با اخلاق و پاکدامن بود سپری شد. پیامبراکرمﷺ در سال‌های بعدی زندگی خود به حلیمهٔ سعدیه احترام می‌گذاشت و توجه داشت. هنگامی‌که کودک به دایه سپرده می‌شود، مادر امکان رسیدگی به نقش‌های اجتماعی‌اش را دارد. به نظر می‌آید می‌توان با بازخوانی نقش دایه در زندگی کودک و اهمیّت کمک ایشان به مادران، بتوان دایه‌گی را به عنوان الگوی جایگزین مهد کودک معرفی کرد.

پیشنهاد

با توجه به روایات معصومینعلیهم‌السلام، الگوی دایه‌گی طراحی شود.

منابع

- ابن‌هشام، عبدالملک ابن‌هشام؛ السیره النبویه؛ مصحح: آبیاری، ابراهیم، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- حلبی، علی بن ابراهیم؛ السیره‌الحلبیه؛ مصحح: خلیلی، عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- راغب اصفهانی،حسین؛ مفردات الفاظ القران؛ قم: کیمیا، ۱۴۱۲.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم؛ درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام؛ ج۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۵.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ تهران: میلاد نور، ۱۳۸۹.
- محلاتی، ذبیح‌الله؛ ریاحین‌الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه؛ طهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
- نساجی، زهرا؛ دایگان رسول‌اکرمﷺ؛ فرهنگ کوثر، زمستان ۱۳۸۵، شماره۶۸، صص ۱۶۳-۱۵۶.
- نعیمی، جواد؛ محمدﷺ پیامبر آزادی‌بخش؛ مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ویرایش دوم : ۱۳۷۲.
- http://hajj.ir/14/48850)
- http://farsi.khamenei.ir/treatise-imam-content?id=540&tid=99)(